

متن پرسش

باعرض سلام به استاد عزیز بنده مدتی است ذهنم مشغول شده و به یک سردرگمی رسیده ام که امیدوارم شما جوابم را بدهید: چرا که وقتی سراغ مباحث و سخنرانی های آقای مشایی میروم و زمانی که مباحث و کتاب آقای شریف زاده (آوای خرد) در دفاع از تفکر آقای مشایی را مطالعه میکنم و بعد آنهارا با مباحث و درس های شما تطبیق میدهم میبینم تقارب بسیار بسیار بالایی با مبانی تفکری شما دارم و تطبیق فراوانی با مباحث امام و محی الدین (در مبحث انسان محی الدین که از خود شما درس گرفتیم) دارد - و همین طور آقای شریف زاده نحوه ی عرضه ی دین در تفکر مشایی و احمدی نژاد را و تطابق آن با تفکر امام ره را در کتابش تبیین میکند و باز این هم با مباحث شما تقارب زیادی دارد و بنده و امسال من از تفکر و مبانی شما به آن رسیده ایم اما وقتی به نقدهای شما به آقای مشایی نگاه میکنم و این که میفرمایید (مضمونا) تفکر مشایی دوازده تفکر امام است به سردرگمی عجیبی میرسم حضرت استاد سوال بنده صرفاً از جهت سیاسی نیست بلکه از جهت علمی و اشرقی هم برایم اهمیت دارد (این سوال نه برای من بلکه برای خیلی از دیگر شاگردان شما مطرح است) تشکر و التماس دعا

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: بنده اثباتاً و نفیاً در مورد تفکر و مبانی آقای مشائی سخنی نگفته‌ام. عرض بنده آن بود که صلاح نبود آقای احمدی نژاد آقای مشائی را به عنوان رئیس جمهور مطرح کنند که دلایل آن را تحت عنوان «چرایی عدم حمایت از کاندیداتوری آقای مشائی» عرض کردم. آنچه مهم است سخنان بنده و امثال بنده نیست نهایت ارزش سخنان اینجانب وقتی ظهور خواهد کرد که بتواند خوانندگان عزیز را به ستون‌های اصلی اندیشه‌ی دینی مثل علامه طباطبائی‌ها و مطهری‌ها و حضرت امام و آیت‌الله جوادی و آیت‌الله حسن زاده سوق دهد و در همین راستا خواهشمندم مواظب باشید در رجوع به آقای مشائی طوری برخورد نشود که ما در نهایت به اندیشه‌ی سلسله‌ی علماء بزرگ متصل نگردیم زیرا در آن صورت ناخواسته فرقه‌ای خواهیم شد جدا از دریای بیکران سلسله‌ی علماء دین که حامل فقه و حکمت و عرفان‌اند، وای اگر با روحیه‌ی علاقه‌مندی به عرفان و سیر قلبی ارتباط تنگاتنگ با فقه و حکمت در ما ضعیف شود. موفق باشید